



يَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ أَيُّهَا الْهَادِي لِنُورِ

ميلاد با سعادت امام هادی (عليه السلام)

بر عموم شیعیان جهان
تبریک و تهنیت باد.





« هنر زن بودن »

جلسه نهم - ۱۱ خرداد ۱۴۰۵

« آیات مرتبط با بانوان:»

در «سوره بقره»:

- 
- ۱ = « زوج »
۲ = « خلیفه »
۲ = « سجده »
۴ = « سکن »
۵ = « کلا »
۶ = « یستحیون »
۷ = « نساء »
۸ = « سحر و تفرقه »

(۲۵/۰) ر.ق.
(۳۰/۰) ر.ق.
(۳۴/۰) ر.ق.
(۳۵/۰) ر.ق.
(۳۵/۰) ر.ق.
(۴۹/۰) ر.ق.
(۴۹/۰) ر.ق.
(۱۰۲/۰) ر.ق.

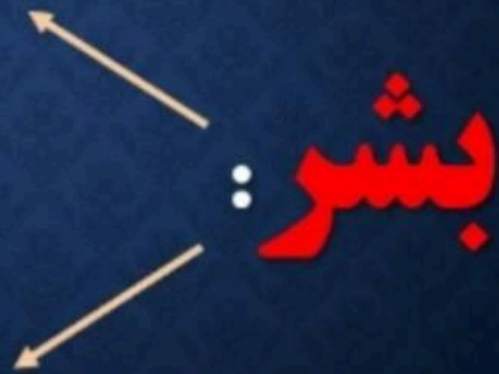
نکتہ مهم:



نیازهای « بشر » کدامند؟



مباشرت



بشارت

مورد ۹:

قرآن « **مباشرت** » را

« **نیازِ اصلی بشر** » می‌داند،

و جز در دو زمانِ « **حجّ** » و « **عُذرِ ماهانه** »،

هر گونه « **التذادِ جنسیِ زنان و شوهران** » را

« **مجاز** » می‌داند. حتی در آغاز ضیافت الله:

أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ
الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ ...

(بقره/۱۸۷)

در شبهای روزه (هرگونه) التذاذ با زنان بر شما حلال شده ...

« رفت » یعنی چه؟

« **رفت** »،

« هر نوع ارتباط لذت بخش با زنان » است،

که با « **همسر** »، « **مجاز** »،

و با « **نامحرم** »، « **حرام** » است. ❏

و شامل: « ملاعبه، معاشقه، مباشرت و مقاربه » می باشد.

پس « بانوانِ مؤمن »،

« این همه لطافت، ظرافت و نجابت »،

و **جذابیت‌های** خدادادی « خود را

« **بیهوده** » و « **بی‌حکمت** » نمی‌دانند¹ بلکه

آنها را « **لوازمِ مأموریتِ الهی** خود » می‌دانند.

لذا « بانوانِ مؤمن »،

« خودشان » و « همسرشان » را

برای « مباشرت » و « التذاذِ جنسی »،

هرگز « ملامت » نمی‌کنند:

وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ (٥)

إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (٦)

فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (مؤمنون/٧)

وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ (٢٩)

إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (٣٠)

فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (معارج/٣١)

وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ (٥)

إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (٦)

فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (مؤمنون/٧)

وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ (٢٩)

إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (٣٠)

فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (معارج/٣١)

پس « زنانِ مؤمن »،

با « تمکین و دلبری هنرمندانه » خود،

« آرامش و نشاطِ خود و همسرشان » را تأمین،

و « اسباب و بهانه هرزگی »،

و « زمینه فحشاء » در جامعه را نیز از بین می‌برند.

« **زنانِ مؤمن** »،

هر گونه « **زینت** » و « **آرایش** » را

برای « **بعد** از ازدواج » و « **فقط** »

برای « **دلربائی** » و « **جذبِ شوهر** » می‌دانند،

هر چند که « **پدر** و سایر محارم » هم مجازند آن را ببینند:

- ۱- **لِبُعُولَتِهِنَّ**
- ۲- **أَوْ آبَائِهِنَّ** ۱۳- **عمو**، ۱۴- **دائی**، ۱۵- **پدر بزرگ**
- ۳- **أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ**
- ۴- **أَوْ أَبْنَائِهِنَّ**، ۱۶- **داماد**، ۱۷- **نوه** ۵- **أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ**،
- ۶- **أَوْ إِخْوَانِهِنَّ**، ۷- **أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ**، ۸- **أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ**،
- ۹- **أَوْ نِسَائِهِنَّ**، ۱۰- **أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ**،
- ۱۱- **أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ**،
- ۱۲- **أَوْ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ ... (نور/۳۱)**

وَقُلْ **لِلْمُؤْمِنَاتِ**

..... و **لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا**:

و به زنان مؤمن بگو: و « زیورها » و « آرایش » خودشان را آشکار نکنند جز برای:

شوهرانشان، پدرانشان، پدران شوهرانشان، پسرانشان، پسران شوهرانشان، برادرانشان، پسران برادرانشان، پسران خواهرانشان، زنان (همکیش) خود، کنیزانشان، خدمتکاران مرد که (از زن) بی‌نیازند یا اطفالی که به عورتِ زنان توجه ندارند ...

« **زنانِ مؤمن** »،

هر گونه « **زینت** » و « **آرایش** » را

برای « **بعد** از ازدواج » و « **فقط** »

برای « **دلربائی** » و « **جذبِ شوهر** » می‌دانند،

هر چند که « **پدر** و سایر محارم » هم مجازند آن را ببینند:

و احتمالاً یکی از اهداف این فرمان الهی که:

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ... (أحزاب/۳۳)

(باید شما زنان در «خانه‌هایتان» مستقر باشید...)

برای «در دسترس شوهر بودن» می‌باشد.

پس « کار بیرون » برای بانوان، « ممنوع » **نیست**،

و ممکن است « **جامعه** » در عرصه‌های مختلف،

به فعالیت بیرونی بانوان، « **نیازمند** » باشد،

اما « **مأموریت اصلی** آنها »،

« **تمکین** » برای « **مجدوب کردن شوهر** » است.

فرقِ «حقّ» با «حدّ» چیست؟

هر « **حَقِّي** » همان « **حَدِّ** **الهی** » است،

اما هر « **حَدِّي** » الزاماً بر « **حَقِّ** » نیست.

« **حدودِ** **الهی** »، « **مرزهای** **الهی** »،

و « **تعیین کنندهٔ** **حقوقِ** **افراد** » اند: مثال:

۱- يا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ
وَ اتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ

لا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَ لا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ
وَ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ
لا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا (طلاق/ ۱)

ای پیامبر اگر زنان را طلاق دادید، حساب آن عده را نگه دارید و تقوای خدا را رعایت کنید آنها را از خانه خودشان بیرون نکنید و آنها هم بیرون نروند مگر آنکه مرتکب فحشاء آشکار شده باشند این حکم الهی و هر که از مرزهای خدا تجاوز کند قطعاً به خود ستم کرده نمی‌دانی شاید خدا بعد از آن پیشامدی پدید آورد.

۲- أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ

... فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ

... وَ لَا تَبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ

تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرِبُوهَا ... (بقره/۱۸۷)

در شب روزه التذاذ از زنان بر شما حلال است ... پس اکنون (در شبهای ماه رمضان) با آنها مباشرت کنید،

... اما وقتی در مساجد معتکفید درنیامیزید این حکم الهی است پس به آن نزدیک نشوید ...

۳- الطَّلَاقُ مَرَّتَيْنِ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ

وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا ...

تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا

وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

(بقره/۲۲۹)

طلاق (جس) دوبار است بعد از آن یا بخوبی نگهدارید یا به زیبایی رها کنید و نباید از آنچه به آنها داده‌اید چیزی پس بگیرید ... اینست حدود الهی از آن تجاوز نکنید و آنها که از حدود الهی تجاوز کنند آنها همان ستمکارانند.

۴- فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا
فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا **حُدُودَ اللَّهِ**
وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يَبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

(بقره/۲۳۰)

و اگر (برای بار سوم) او را طلاق داد بعد از آن دیگر برای او حلال نیست مگر با شوهری غیر از او ازدواج کند
پس اگر (شوهر دوم) او را طلاق داد اگر آنها احتمال بدهند که حدود خدا را اقامه می‌کنند گناهی بر آنها نیست
که به یکدیگر رجوع کنند و اینها حدود احکام الهی است که آن را برای قومی که می‌دانند بیان می‌کند.

هـ و لَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ ... إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ ...
وَ إِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةٌ وَ لَهَا أَخٌ أَوْ أُخْتُ ...
فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ ... وَصِيَّةً مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ (١٢)

تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَ مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ ... (نساء/١٣)

و نیمی از ارث زوجتان برای شماست ... اگر بی‌فرزند باشید و اگر فرزند داشته باشید ... و اگر مرد یا زنی بی‌فرزند و پدر و مادر باشد و برادر یا خواهر داشته باشد ... اگر بیش از این باشند ... این سفارش خدا و خدا دانای بردبار است.

اینها احکام الهی است و هر که از خدا و رسولش اطاعت کند ...

۶- وَ الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا،

اول: فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسًا ... (۳)

دوم: فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسًا

سوم: فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا

ذَلِكَ لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَلِكَ حُدُودَ اللَّهِ

وَاللَّكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (مجادله/۴)

آنها که زنانشان را ظهار می‌کنند و بعد پشیمان می‌شوند باید قبل از تماس بندهای را رها کنند ... و آن که دسترسی ندارد باید قبل از تماس، ۲ ماه پیپی روزه بگیرد و اگر نتواند باید ۶۰ فقیر را إطعام کند، این حکم برای آنست که به خدا و رسولش ایمان آورید و این حدود خداست و کفار عذابی پر درد دارند.

چون « **زن** » در آغاز ازدواج، **متعهد** می‌شود که
فقط با « **یک شوهر** » در ارتباط باشد،
لذا « ارتباط **زن** » با « **نامحرم** »،
« **خیانت** » به « **شوهر** » تلقی می‌شود،
اما رابطه **مرد** با نامحرم، خیانت به « **خودِ او** » است:

أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ...
عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ...

(بقره/۱۸۷)

در شبهای^I روزه، «التذاذ از زنان» بر شما حلال شد...
... خدا می‌داند که شما «به خودتان خیانت می‌کنید»...

البته «إلتذاذ از همسر» در «حجّ» ممنوع است:

I

... فَلَا رَفَثَ

وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ^٤ ... (بقره/۱۹۷)

... در حج «إلتذاذ جنسی و بدعهدی و جدال» ممنوع است ...

نکتہ مهم:



« تنها نیازِ » هر « مخلوقی »،

فقط « ابرازِ »

توانایی‌هایِ « بالقوه » اوست.

« ابراز و رشد » انسان،

در « تنهایی » امکان ندارد.

بلکه « انگیزه » و « بهانه‌ای » مناسب،

و « عامل بیرونی » می‌خواهد.

و «ازدواج»

بهترین «بهبان»

برای «ابراز» بیشترین قابلیت‌ها
و رشد و سلامت و تکامل انسان است.

« از دواج »، آنقدر مهم است که خداوند آن را
در کنار « رسالت » انبیاء « لازم » می‌داند:

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ

وَجَعَلْنَا لَهُمُ أَزْوَاجًا
(رعد/۳۸)

اگر الآن شما بانوانِ محترم را
برای یک جشنِ « **عروسی** » دعوت کنند
« **واکنشان** » چیست و چه می گوئید؟

بسیاری از بانوان

در واکنش به چنین « **دعوتی** » می‌گویند:

« **خاک بر سرم** »

« **لباس ندارم** ».

مورد ۱۰:

هر فرد: « **بالغ و عاقل و مجردی** »

برای برخورداری از:

« **بشارت‌های ضیافتِ الهی** »

باید « **لباس = همسر** » داشته باشد.

« داشتنِ همسر » آنقدر مهم است که

« خداوند » آن را در قرآن،

تنها « لباسِ » رهایی از « عریان » بودن،

و « شرطِ ورود » به ضيافتِ رمضان » می‌داند:

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ
(١٨٥)

(آستر) هُنَّ لِبَاسٍ لَّكُمْ

(رويه) وَأَنْتُمْ لِبَاسٍ لَّهُنَّ

I (بقره/١٨٧)

« لباس » چیست؟

« لباس »، از « نعمت‌های الهی »،
و « پوشانندهٔ عیوب^۱ » و عاملِ « زیبائی »،
و « مخصوصِ انسان »،
و « نمادِ شخصیت و ارزشمندی او » است.

« لباس »

طبق آیات قرآن،

« دو نوع » است:

اول: «لباسِ خوب»:

« لباسِ خوب »،

« پوششی فراگیر » است که انسان را

از « کثرتِ بیرون » و « تکثرِ درون »،

« حفظ » می‌کند،

و به او « تشخصِ انسانی » می‌بخشد.

به عبارت دیگر «لباس، پوششی فراگیر» است که

انسان را از «غلبه‌ی نفسانیت»،

و «ریاکاری» و «بدن‌نمایی»،

«حفظ» می‌کند،

و به او «حیاء و زیبای مؤمنانه» می‌بخشد:

مانند « شب » که ما را از « کثرت » بیرون می‌رہاند:

وَ هُوَ الَّذِي

جَعَلَ لَكُمْ مِنَ اللَّيْلِ لَبَاسًا

.... (فرقان/۴۷)

و مانند « همسر » که « نشاط‌انگیز » است:

.... هُنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ

وَأَنْتُمْ لِبَاسٍ لِهِنَّ ...

(بقره/۱۸۷)

و مانند « لباسِ خنک و زیبایِ » بهشتیان:

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
يُحَلَّونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤًا

وَلِبَاسَهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ (حج/۲۳)

خدا اهل ایمان و نیکوکار را در باغهایی که از زیر آن نهرها روان است درمی آورد
در آنجا با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته می شوند و لباسشان در آنجا از پرنیان است

و مانند « تقوا » که « بهترین زینت انسان » است:

یا بَنی آدَمَ؛

... وَ لِبَاسِ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ

.... (اعراف/۲۶)

ای فرزندان آدم؛ ... بهترین لباس، « تقوا » است ...

دوم: « لباسِ بد »:

« **لباس** » ممکن است

« **پوششی** » باشد که انسان را از:

« **رحمتِ بیرون** » و « **عشقِ درون** »،

و از « **تشخصِ انسانی** »، « **محروم** » می‌کند.

« لباسِ بد » مانند:

مانند « باطلی » که « حق » را می پوشاند:

وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ

وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (بقره/۴۲)

و حق را با باطل نپوشانید و حقیقت را با آنکه خود می دانید کتمان نکنید.

مانند « ظلم و شرکی » که ایمان را بپوشاند:

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ

أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ (أنعام/۸۲)

آنان که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده‌اند
قطعا برای آنان ، ایمنی است و ایشان راه‌یافتگانند.

مانند « گرسنگی و ترسِ عذابِ اور الهی »:

وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ

I

فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ

فَأَذَاقَهَا اللَّهُ **لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ** بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ

(نحل/۱۱۲)

و خدا شهری را مثل زده که امن و امان بود روزیش از هر سو فراوان می‌رسید

پس نعمتهای خدا را کفر ورزیدند خدا نیز به سزای عملکردشان طعم گرسنگی و هراس را به آنها چشانید.



I

« أهداف مهم شياطين » کدامند؟

۱- « آموزشِ **سحر** به مردم. »

۲- « آموزشِ هر گزاره غلطی » که

« میان زنان و شوهران، »

« **تفرقه** » ایجاد کند.

هدف اصلی:



در اهمیت « **لباس** » همین بس
که « **شیاطین** » با « **کندن** » آن
به « **اهداف** » دیگر خود می‌رسند:

یا بنی آدم؛

لا یفتنکم الشیطانُ کما أخرج أبویکم من الجنَّةِ

ینزعُ عنهما لباسهما لیریهما سوأتھما

إنه یراکم هو و قبیلہ من حیث لا ترونهم إنا جعلنا الشیاطینَ أولیاءَ للذین لا یؤمنون (اعراف/ ۲۷)

ای فرزندان آدم؛ شیطان شما را به فتنه نیندازد چنانکه والدینتان را از بهشت بیرون راند

و لباسشان را از ایشان کند تا زشتی‌هایشان را بر آنها نمایان کند،

او و قومش شما را از آنجا که آنها را نمی‌بینید ما شیاطین را اولیاء آنهائی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند.

« لباس کردن » یعنی: تشویق به:

۱- « خودخواه ماندن »،

۲- « بدن نمایی و بی‌عفتی »،

۳- « ظاهر بینی و ماده‌گرایی »،

۴- « بی‌حیایی در گفتار و رفتار. »

« **عریان** » سازی شیاطین،
چگونه است؟

I

« شیاطین »

با جلوگیری از « خودشناسی » در مراکز آموزشی،
و با « بحران هویت » و « برهنگی فرهنگی »،
« فرهنگ برهنگی » و « بدن نمائی » را
به عنوان نمادِ « روشنفکری » تلقین می کنند.

خدایا؛

ما را در « **فهمِ ازدواجِ اسلامی** » موفق،

و از « **ناترازی‌های تجرد** » حفظ فرما،

و در « **قرآنی شدن خانواده‌ها** » یاریمان کن،

تا در ظهور آخرین **حجت** سهیم و مفید باشیم.

